خبر روز

بدرفتاری با معلولان در یک مرکز

اداره بهزیستی خوزستان درباره ویدئوی بدرفتاری با معلولان درمرکز«احسان» این استان، به تشریح توضیحاتی پرداخت. به گزارش ایسنا، دو روز پیش ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که صحنه‌هایی بسیار دردناک از بد رفتاری با معلولان ساکن در یک مرکزنگهداری معلولان با عنوان «مرکز توانبخشی غیردولتی نگهداری معلولان ذهنی احسان اهواز» رانشان می‌داد. به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان اهواز به همراه هیاتی با حضور در مرکز ضمن بررسی وضعیت معلولین و نحوه مراقبت ازآنها، پیگیری دقیق موضوع و برخورد قانونی با افراد خاطی احتمالی را صادر کرد. در همین رابطه روابط عمومی اداره کل بهزیستی استان خوزستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد؛ مرکز فوق‌الذکر خصوصی و غیردولتی و سابقه‌ای حدودا ۲۰ ساله تخصصی در حوزه نگهداری معلولان ذهنی پسر بالای ۱۴ سال دارد.

این فیلم مربوط به چند ماه قبل بود که دو نفر از پرسنل مرکز توانبخشی برای کنترل یکی از توانخواهان با معلولیت ذهنی اوتیسم و اختلالات رفتاری خیلی شدید، اقدام به مهار فیزیکی با استفاده از لباس کردند .همچنین یک توانخواه بدون لباس در فیلم مشاهده می‌شود که در سالن کنار حمام برای استحمام آماده شده است.

گزارش

بخشش ۲ قاتل در دقیقه ۹۰

زندانی اعدامی ساعتی پس از بخشش در کنار خادمان رضوی و رئیس زندان

معصومه ملکی
گروه حوادث

دو قاتل که با تایید حکم قصاص‌شان در یک قدمی چوبه دار قرار داشتند بخشیده شدند. حکم نخستین قاتل قرار بود در ملأعام در اردکان اجرا شود و دومین قاتل در زندان رجایی‌شهر، پای چوبه دار برود.

به گزارش جام‌جم، نخستین اعدامی پسر جوانی است که در جریان مراسم عروسی مرتکب قتل شده بود. او بعد از شش سال و یک روز قبل از اجرای حکم در ملاء عام بخشیده شد.

قتل در جشن عروسی

علی ۲۶ ساله دریکی ازروزهای پایانی تابستان سال ۹۵ در جشن عروسی در اردکان یزد شرکت کرد اما در آن جشن، جوانی به قتل رسید و او به اتهام قتل زندانی شد. بعد از حدود شش سال قرار بود در ملاء عام اعدام شود که بخشیده شد.

مصطفی عابدی ، مدیر زندان شهرستان اردکان در این‌باره به جام‌جم گفت: «در این سال‌ها برای رضایت این زندانی خیلی تلاش شد. چند خیر همراه امام جمعه اردکان و مرودشت در جلسات صلح و سازش شرکت داشتند اما خانواده مقتول خواستار قصاص بودند. چند هفته قبل جوان اعدامی برای اجرای حکم از زندان مرکزی یزد به زندان اردکان منتقل شد. دوباره با خانواده مقتول حرف زدیم که قاتل رفتارش تغییر کرده و نماز و قرآن می‌خواند. در این جلسه که ۴ ساعت طول کشید قاتل به دست و پای پدر مقتول افتاد، ابراز پشیمانی کرد اما آن خانواده همچنان قصاص می‌خواستند.

عابدی ادامه داد: از خادمان رضوی هم کمک گرفتیم. سرانجام تلاش‌ها نتیجه داد و او یک روز قبل از اجرای حکم بخشیده شد. اولیای دم برای بخشش، دو شرط تعیین کرده بودند؛ ترک استان توسط قاتل و خانواده‌اش و کمک به ساخت یک مرکز مشاوره که قاتل دو شرط را قبول کرد.

بخشش بعد از ۶ سال

علی پس از بخشش اولیای دم به خبرنگار جام‌جم گفت: ۲۰ ساله بودم و از روی خشم و نادانی مرتکب این قتل شدم. خدمت سربازی‌ام را در زندان گذرانده بودم و می‌دانستم آنجا چه محیطی است. حضورم در آن جشن عروسی آینده‌ام را نابود کرد. دوستانم از قبل با دوستان مقتول کری‌خوانی داشتند. من هم به هواخواهی وارد ماجرا شده و گرفتار شدم. همیشه فکر می‌کردم خلافکار یا قاتل باید یک فرد عجیب باشد اما خودم که گرفتار شدم فهمیدم حادثه برای هرفردی می‌تواند رخ دهد.

وی افزود: تا سه ماه اول دریک سلول تنها بودم. بعد به بند منتقل شدم. مادر بیمارم هر هفته به ملاقاتم می‌آمد و دلداری‌ام می‌داد. هر بار که مادرم را می‌دیدم رنجورتر از قبل شده بود. بعد از دو سال او فوت شد. غم او باعث شد ۲۰ روز از سلولم بیرون نروم. خودم را مقصر مرگش می‌دانستم. سه جزء قرآن را حفظ شدم و نماز می‌خواندم. در این سال‌ها خیلی از همسلولی‌هایم قصاص شدند. به خودم می‌گفتم یک روز تو می‌روی و بازنمی‌گردی. فقط می‌خواستم قبل از مرگم خانواده مقتول مرا حلال کنند. چند هفته قبل، از زندان مرکزی یزد به اردکان منتقل شدم. در آنجا یک زندانی سراغم آمد و خبر داد قراراست تا چند روز دیگر در ملاء عام اعدام شوم. از مسئولان زندان خواستم قرار ملاقات آخر را با پدر مقتول برایم بگذارند. قبول کردند و او را دیدم. گریه کردم، مقابلش زانو زدم، التماس کردم و گفتم پشیمانم و اشتباه کردم. اگر می‌خواهید قصاصم کنید لااقل حلالم کنید . برایش قرآن خواندم. پدر مقتول کمی آرام شد و یک روز مانده به اجرای حکم مرا بخشیدند. تا آخر عمر مدیون خانواده مقتول و افرادی هستم که برای آزادی‌ام تلاش کردند.

مکث

قتل بر سر یک میله آهنی

دومین اعدامی بخشیده شده سهیل نام دارد که بیست‌وهشتم بهمن سال ۹۴ در جریان درگیری خیابانی در محله خیام جنوبی تهران با مردی ۶۵ ساله او را کشت. متهم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. دو برادر و خواهر مقتول برای او قصاص خواستند. متهم در دفاع از خود گفت: از شهرستان به تهران آمده و با موتورسیکلت قسطی، مسافرجابه‌جا می‌کردم اما بعد از چند ماه موتورم خراب شد. پولی برایم نمانده بود و چند روز گرسنه بودم. میله آهنی در خانه یافته و آن را برداشته و برای فروش به محله خیام جنوبی رفتم. در مسیر در میان سطل زباله می‌گشتم تا وسایل دیگری هم برای فروش پیدا کنم. مرد سالخورده هم در میانه زباله‌ها می‌گشت که با دیدن میله در دستم آن را قاپید. با هم درگیر شدیم که او را هل دادم. کف خیابان افتاد و سرش زخمی شد و بعد انبوهی از زباله‌ها روی او ریخت و فوت شد.

پس از رسیدگی به این پرونده، قضات به متهم حکم قصاص دادند که بعد از تایید حکم در دیوان عالی کشور پرونده به اجرای احکام ارسال شد. با گذشت شش سال و نیم از وقوع این قتل، قرار بود متهم در زندان رجایی‌شهر کرج پای چوبه دار برود که تلاش‌های واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران نتیجه داد و خانواده مقتول دیروز او را بخشیدند و از مجازات قصاص رها شد.

سیدموسی رضازاده، قاضی شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به «جام‌جم» گفت: دیروز دو برادر و خواهر مقتول به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران آمدند و گفتند که قاتل برادرشان را به شرط دریافت وجه‌المصالحه می‌بخشند. قاتل این شرط را قبول کرد و با پرداخت دیه قرار شد از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.

محکمه

خواسته عجیب مرد گوش‌بر در جلسه محاکمه‌اش

گوش مرا ببرید!

دو برادر افغان که در جریان درگیری خیابانی، گوش هموطن خود را بریده بودند، در جلسه دادگاه اصرار کردند حکم قصاص صادر شود. متهم ردیف اول از قضات خواست گوش او را هم مثل شاکی ببرند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از مرداد سال گذشته و با گزارش درگیری در خیابان مرتضوی تهران آغاز شد. در این درگیری مردی افغان به نام نعمت زخمی شده بود. او به بیمارستان منتقل شد و بعد از بهبود حالش با طرح شکایتی گفت: دو برادر به نام‌های حفیظ و عزیز و پدرشان که از قبل با من و پدر و برادرهایم درگیر بودند، به سمتم حمله کرده و بی‌رحمانه کتکم زده و گوش راستم را بریدند و با خود بردند.

با این شکایت، حفیظ و عزیز در خیابان رودکی دستگیر شدند و در تحقیقات به درگیری با نعمت و گوش‌بری اعتراف کردند. با تکمیل تحقیقات و درخواست قصاص از سوی شاکی، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای جلسه، شاکی برای دو برادر درخواست قصاص کرد و گفت: دو برادر مرا با بی‌رحمی کتک زده و گوشم را بریدند. من حاضر به بخشش آنها نیستم و قصاص می‌خواهم.

سپس متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد و در دفاع از خود گفت: چهار سال قبل در افغانستان اختلاف خانواده ما و شاکی آغاز شد. علت این درگیری استفاده از آب یک چشمه بود. آخرین بار نعمت و برادرهایش به پدرمان حمله کردند. زن برادرم که چهار ماهه باردار بود، برای کمک به پدرمان وارد دعوا شد که نعمت با لگد ضربه‌ای به شکم او زد و باعث سقط جنین‌اش شد. آنها سپس در بین طایفه، ما را آدم‌هایی ترسو معرفی کردند که نتوانستیم از پدر و عروس‌مان دفاع کنیم. این ادعا باعث شد از آنها کینه به دل بگیریم و دنبال انتقام باشیم. برای کار به تهران آمدیم که روز حادثه، نعمت را در خیابان دیدیم. من و برادرم به سمت او حمله کردیم و کتکش زدیم. بعد گوشش را بریدیم تا به افغانستان ببریم و به بقیه نشان دهیم بی‌غیرت نیستیم. من خودم حاضر به قصاص گوش هستم. گوش مرا هم ببرید تا از کشتار در افغانستان جلوگیری شود.

سپس برادرش در جایگاه قرار گرفت و با تایید حرف‌های برادرش گفت: برادرم گوش شاکی را برید تا به حرف و حدیث‌ها در افغانستان پایان دهد و اگر او را قصاص نکنید، درگیری باعث قتل می‌شود. ما پولی برای دیه نداریم و حکم قصاص صادر کنید.

پس از دفاعیات دو برادر، قضات وارد شور شدند.

عدلیه

زن جوان، مظنون به قتل پیرزن تنها

زن جوان به‌عنوان تنها مظنون قتل پیرزن تنها دستگیر شد. جسد پیرزن بعد از قتل و سرقت النگوهایش در چمدانی در یکی از پارک‌های تهران پیدا شد.

به گزارش جام جم، جسد این زن ۷۰ ساله که با هفت نایلون و گونی مومیایی طور شده و در چمدانی قرار داشت، شامگاه چهاردهم تیر امسال در یکی از بوستان‌های محله جوادیه تهران پیدا شد. مرد معتادی چمدان را یافته و موضوع را به پلیس خبر داده بود. همچنین معلوم شد مقتول مانتو و شلوار بیرون از خانه و روسری داشته و براثر خفگی به قتل رسیده و یک شبانه‌روز از مرگ او گذشته است.

با شناسایی فرزندانش و تحقیق از آنها معلوم شد مادرشان به‌تنهایی زندگی می‌کرده، هفته‌ای چند بار برای دیدن او می‌رفتند که روز سیزدهم تیر امسال او از خانه بیرون رفته و ناپدید شده‌است. در ادامه به کلانتری رفته و برای یافتن وی کمک خواستند تا این‌که بعد چند روز مطلع شدند او به قتل رسیده‌است. وقتی جسد را از پزشکی قانونی تحویل گرفتند پی بردند همه النگوهای مادرشان که ارزش ۱۵۰ میلیون تومانی داشته سرقت شده است. احتمال می‌رفت او قربانی سرقت طلاهایش شده است.

در جریان تحقیقات معلوم شد او اختلافی با کسی نداشته و برای گذران زندگی خرید و فروش لوازم دست دوم می‌کرد.

ماموران از صاحبخانه او تحقیق کردند که گفت: مستاجرم آخرین بار قرار بود برای خرید ضایعات به خانه زن جوانی از همسایه‌ها برود.

با افشای این موضوع، زن جوان دو روز پیش به عنوان مظنون بازداشت شد و دیروز-دوشنبه-برای ادامه تحقیقات به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: بعد از جدایی از شوهرم تنها زندگی می‌کردم. مقتول همسایه‌مان بود و ضایعات و وسایل دورریختنی خریدوفروش می‌کرد. آن روز به خانه‌ام آمد و وسایل دورریختنی و تعدادی کیف کهنه و قدیمی را به او رایگان دادم که برداشت و رفت و دیگر او را ندیدم. بعد از چند روز فهمیدم گم شده و بعد خبر رسید که به قتل رسیده است. نمی‌دانم چه کسی او را کشته، بی‌گناهم و اشتباهی بازداشت شدم.

محمدتقی شعبانی، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: زن همسایه در حالی منکر قتل است که اظهارات ضدونقیض وی و شواهد پرونده علیه اوست. وی در بازداشت بوده و تحقیقات از او ادامه دارد.

پیگیری

روایت رئیس هلال‌احمر کرمان از امدادرسانی به گرفتاران در معدن کرومیت

دستور برای نجات جان ۲۰ امدادگر

پنجشنبه هفته گذشته بود که معدن روباز کرومیت در روستای چیل‌آباد شهرستان ارزوئیه کرمان ناگهان ریزش کرد و سه کارگر مدفون شدند. ساعتی پس از وقوع حادثه، امدادگران هلال‌احمر کرمان به منطقه اعزام شدند تا سه کارگری که زیرآوار مانده بودند را نجات دهند اما شرایط آن‌طور که باید پیش نرفت و به جز یکی از کارگران که به طور معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد، دو کارگر دیگر جان خود را از دست دادند.

پدر دو کارگری‌که زیر آوار مانده بودند، هر از گاهی به معدن سرکشی می‌کرد تا از آخرین اقدامات هلال‌احمر باخبر شود. طبق اظهارات پدر دو کارگر- به نام‌های محمدامین و امیر غنچه‌پور- به جام‌جم، وی روز حادثه به دو پسر ۱۴ و ۱۶ ساله‌اش گفته بود به راننده بیل مکانیکی که مشغول کاربود، بگویند برای صرف ناهار آماده شود. دقایقی بعد از آن، ناگهان معدن ریزش کرد و راننده و دو کارگر زیرآوار ماندند. ساعتی بعد امدادگران هلال‌احمر از راه رسیدند و اقدام به رهاسازی امیر کردند اما محمدامین و راننده بیل مکانیکی زیر حجم آوار ماندند تا سه روز پیش که جسد هر دو نفر از زیرآوار خارج شد.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر کرمان با تشریح اتفاقات حادثه ریزش معدن گفت: «در این عملیات، تیم‌های آواربرداری، آنست (زنده‌یاب) و واکنش سریع سه شهرستان ارزوئیه، بافت و مرکز استان کرمان فعال بودند. شرایط دشواری بر عملیات حاکم بود و علاوه‌بر تحمل دمای ۴۸ تا ۵۰ درجه هوا، کوه نیز سه بار ریزش کرد. در کنار آن، دو ساعت بارش تگرگ و توفان شدید هم در روز جمعه داشتیم که امدادرسانی را با مشکل روبه‌رو کرد. هشت کیلومتر از ۳۰ کیلومتر مسیر معدن، کوهستانی و صعب‌العبور بود و با تمام این دشواری‌ها ساعت شش صبح روز دوم حادثه، بیل‌های مکانیکی گل‌گهر در منطقه مستقر شد و معادن محلی نیز برای ارسال تجهیزات حمایت کردند.»

علاوه‌بر این امکانات، پنج بیل مکانیکی هم در منطقه بود که سه دستگاه از آن به طور دائم و تمام‌وقت در مسیر طولانی معدن محل حادثه فعالیت می‌کرد: «رهاسازی یک جسد به علت گیر کردن پاها در زیر صندلی بیل مکانیکی با ابزار تخصصی سه ساعت زمان برد اما در نهایت با تلاش ۲۷ امدادگر هلال‌احمر، جسد این کارگر متوفی بیرون آورده شد.»

فلاح در ادامه گفت: «سه روز امدادرسانی در حادثه معدن چیل‌آباد برای ما دو میلیارد تومان هزینه به دنبال داشت، زیرا برخی تجهیزات رهاسازی هلال‌احمر در این حادثه تخریب شد. در یکی از ریزش‌های کوه، فرماندار دستور تخلیه محل را داد که این دستور جان ۲۰ امدادگری که آنجا بودند را نجات داد و آنها زیرآوار گرفتار نشدند.»

کوتاه از حوادث

نجات از چاه بعد از ۸ روز

مردی که دریکی از چاه‌های عمیق بالادست روستای خورمیز علیامهریز سقوط کرده بود، پس از هشت روز زنده بیرون آورده شد. سیدابوالفضل حسینی‌منش، رئیس آتش‌نشانی مهریز استان یزد به مهر گفت: اسماعیل زارع خورمیزی هشت روز پیش در یکی از چاه‌های عمیق بالادست روستا سقوط کرده و محبوس شده بود. در پی این حادثه، خانواده‌اش در جست‌وجوها اتفاقی صدای او را در چاه حوالی محل زندگی شنیده و در تماس با آتش‌نشانی کمک خواستند. آنها به محل اعزام و توانستند اسماعیل را از داخل چاه در حالی بیرون بیاورند که زنده بود و در بیمارستانی بستری شد.

ربایش مسلحانه در خیابان

افراد ناشناس یکی از اهالی روستای کمیز بخش مرکزی شهرستان رودان استان هرمزگان را مسلحانه ربودند. به گزارش مهر، ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه یکشنبه دوم مرداد امسال، مردی مقابل مغازه‌اش از سوی افرادی در خیابان مسلحانه ربوده شد. جست‌وجوها برای رهایی این گروگان و بازداشت آدم‌ربایان فراری که با انگیزه‌ای نامعلوم او را ربوده‌اند، ادامه دارد.

۴ مصدوم در ریزش آوار خانه

انفجار در خانه ویلایی و آوار آن باعث مصدومیت چهار نفر از همسایه‌ها شد.

به گزارش سایت آتش‌نشانی مشهد، مجید فرهادی سرپرست سازمان آتش‌نشانی شهر مشهد گفت: بامداد دیروز وقوع انفجار توام با آوار و گرفتار شدن افراد در خانه‌ای ویلایی در بلوار کوشش مشهد به آتش‌نشانی گزارش شد. همزمان با حضور آتش‌نشانان در محل معلوم شد حجم انفجار توام با آوار به حدی بوده که یک ساختمان مسکونی ویلایی خالی از سکنه، به صورت کامل تخریب و به ۲ واحد مسکونی مجاور نیز خساراتی وارد شده بود. چند نفر از همسایگان در زیر آوار گرفتار شده که نجاتگران آتش‌نشانی ضمن رعایت نکات ایمنی و تثبیت اطراف محل حادثه، اقدام به عملیات برای نجات این افراد کردند. درادامه این عملیات دو مرد و دو زن مصدوم راهی بیمارستان شدند.

کشف جسد آخرین گمشده در سیل

معاون امداد و نجات هلال‌احمر استان فارس اعلام کرد که بخشی از جسد آخرین مفقودی سیل استهبان کشف شد.

مهدی خوبیار به ایسنا گفت: در پی وقوع سیل در منطقه شرق فارس ۲۲ نفر ناپدید شدند که از این تعداد، جسد ۲۱ نفر تا قبل از این کشف شده بود.

دیروز در پی اطلاع یکی از نیروهای محلی مبنی بر کشف بخشی از پیکر دختر یکساله به عنوان آخرین ناپدید شده سیل در نزدیکی امامزاده شهباز، نیروهای امدادی سریعا در محل کشف حاضر شدند و آن را یافتند.

دادگاه متروپل؛ هفته آینده

رئیس کل دادگستری استان خوزستان از تعیین وقت رسیدگی به پرونده حادثه متروپل در هفته آینده خبر داد.

به گزارش میزان، علی دهقانی دیروز در این باره گفت: به محض وصول پرونده به دادگستری شهرستان مرکز استان برای رسیدگی به شعبه ویژه کیفری دو ارجاع شد.

وقت رسیدگی برای هفته آینده تعیین شده و پس از دادرسی قانونی با رعایت مقررات و تشریفات رسیدگی در اسرع وقت و حداقل زمان ممکن رأی مقتضی و متناسب در این زمینه صادر خواهد شد. اکنون ۲۱ نفر در ارتباط با این پرونده بازداشت شده‌اند.

تصادف زنجیره‌ای با ۱۷ مصدوم

تصادف زنجیره‌ای با برخورد ۱۶ خودرو در محور گدوک جاده فیروزکوه منجر به مصدومیت ۱۷ نفر شد.

محمد حیدری‌منش، سرپرست فرمانداری شهرستان فیروزکوه به ایرنا گفت: ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه دیروز به دلیل مه غلیظ و لغزندگی جاده و نداشتن دید کافی، ۱۶ خودروی در حال حرکت باهم تصادف کردند. در این حادثه ۱۷ نفر از سرنشینان خودروها مصدوم و در بیمارستان بستری شدند که حال یکی از آنها وخیم است.